

سپاسگذاری

از تمام اساتید گروه فقه و حقوق دانشکده ادبیات دانشگاه ارومیه به ویژه اساتید راهنمای بزرگوارم جناب آقای دکتر سید مهدی قریشی و جناب آقای دکتر رضا نیکخواه که در نگارش پایان نامه کمک و راهنمایی های لازم را به این جانب مبذول داشته اند صمیمانه تشکر و قدر دانی می نمایم.

تقدیم به

تقدیم به پدر و مادر عزیزم که بهترین هدایای الهی بوده و همواره از حمایت بی دریغ آن ها بهره مندگشته ام .

فهرست

چکیده	د
مقدمه	أ
۱. تبیین موضوع	أ
۲. پیشینه موضوع تحقیق:	ب
۳. سؤالات تحقیق:	ب
۴. فرضیات تحقیق	ب
۵. هدف پژوهش:	ج
۶. روش تحقیق	ج
۷. ساختار تحقیق	ج
بخش اول: معانی، اقسام ومبانی مشروعیت ولایت فقیه	۱
فصل اول: معنا و اقسام ولایت	۲
گفتار اول: بررسی مفهوم ولایت	۳
معنای لغوی و اصطلاحی ولایت:	۳
گفتار دوم: سلسله مراتب ولایت	۴
گفتار سوم: اقسام ولایت	۹
گفتار چهارم: ولایت در فقه	۱۷
فصل دوم: ادله اثبات ولایت فقیه	۲۱
گفتار اول: اثبات ولایت فقیه و محدوده ی اختیارات وی از دیدگاه قرآن	۲۲
۱-۲-۱: آیات	۲۲
۱-۲-۱-۱- شرح آیه ی اولوا الامر	۲۲
۱-۲-۱-۱-۱- دلالت اولوا الامر بر ولی فقیه جامع الشرایط:	۲۳
۱-۲-۱-۲- اشکالاتی در مورد آیه اولوا الامر، بر اولوا الامر غیر معصوم:	۲۶
۱-۲-۱-۲-۱- آیه ی اعتصام:	۲۶
۱-۲-۲-۱- حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه:	۳۰
۱-۲-۲-۲- تعریف امام رضا-علیه السلام- از امامت	۳۱
۱-۲-۲-۳- حدیث وراثت	۳۳
۱-۲-۲-۴- توفیق شریف حضرت ولی عصرعلیه السلام	۳۵
۱-۲-۲-۵- مقبوله عمر بن حنظله	۳۶
گفتار سوم: اثبات ولایت فقیه از دیدگاه عقل:	۳۸

- ۳۹-۱-۲-۳-۱- فلسفه اولوا الامر از دیدگاه امام رضا ۳۹
- ۴۰-۲-۳-۱-۱- اصل نزول تدریجی: ۴۰
- ۴۱- فصل سوم: بررسی مبانی مشروعیت ولایت فقیه ۴۱
- ۴۲- گفتار اول: تحلیل نظریات مختلف در خصوص مشروعیت ولایت فقیه ۴۲
- ۴۲-۱-۳-۱- معنا و مفهوم مشروعیت ۴۲
- ۴۲-۱-۳-۱-۱- نظریه ی انتصاب: ۴۲
- ۴۳-۱-۳-۱-۲- نظریه ی انتخاب: ۴۳
- ۴۶-۱-۳-۱-۳- نظریه ی مشروعیت دوگانه ۴۶
- ۴۹- گفتار دوم: اکثریت و انتخاب ۴۹
- ۵۰-۱-۳-۲-۱- نظر قرآن راجع به اکثریت: ۵۰
- ۵۱-۲-۳-۱- قانون اکثر و رأی اکثریت: ۵۱
- ۵۳-۲-۳-۱- رأی اکثریت: مردم یکی از ارکان سه گانه «عهد ولایت» ۵۳
- ۵۳-۲-۳-۲-۱- اعتبار رأی مردم در انتخاب رهبر: ۵۳
- ۵۶-۲-۳-۱- حجیت ملی امر منتخب خبرگان برای مردم کشورهای دیگر: ۵۶
- ۶۰- بخش دوم: قلمرو و حدود دولت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه ۶۰
- ۶۱- فصل اول: قلمرو دولت اسلامی از منظر دین اسلام ۶۱
- ۶۲- گفتار اول: خاستگاه تنظیم روابط بین الملل ۶۲
- ۶۲-۱-۱-۱- نیازمندی به منبع مشترک: ۶۲
- ۶۲-۱-۱-۲- منبع مشترک نبودن آداب و عرف و همانند آن ها: ۶۲
- ۶۲-۱-۱-۳- ناتوانی انسان از شناخت منبع مشترک و وضع حقوق: ۶۲
- ۶۴- گفتار دوم: دین منبع حقوق بین الملل: ۶۴
- ۶۴-۱-۲-۱- معنای دین: ۶۴
- ۶۴-۲-۱-۲- ویژگی های دین: ۶۴
- ۶۴-۲-۱-۲-۱- جهان شمولی دین: ۶۴
- ۶۵-۱-۲-۲-۱-۱- قرآن قانون اساسی اسلام: ۶۵
- ۶۶-۲-۱-۲-۲-۱-۲- زبان جهانی قرآن: ۶۶
- ۶۶-۲-۱-۲-۲-۱-۳- جهانی بودن رسالت رسول اکرم ۶۶
- ۶۷-۲-۱-۲-۲-۲- تغییر ناپذیری: ۶۷
- ۶۹-۲-۱-۲-۲-۳- فطرت مداری ۶۹
- ۷۰- گفتار سوم: وجوب حکومت اسلامی و قلمرو حاکمیت اسلام ۷۰
- ۷۰-۱-۳-۱- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی: ۷۰

۷۴ نظام حکومت اسلام، حکومت واحد جهانی
۸۱ قلمرو جغرافیایی و تاریخی جهان اسلام
۸۴ حاکمیت ارضی و عقیدتی دولت اسلامی
۸۴ شناسایی حاکمیت ارضی:
۸۵ شناسایی ملل
۸۹ دار الاسلام- دار الحرب
۹۴ وطن اسلامی از نظر ایدئولوژی
۹۵ آثار حقوقی وطن اسلامی(دارالاسلام)
۹۷ آثار سیاسی دارالاسلام
۹۸ بررسی دلایل نظریه دوم
۹۹ بررسی دلائل نظریه ی اول
۱۰۱ قلمرو اختیارات فراملی ولی فقیه در قانون اساسی
۱۰۸ فصل دوم: قلمرو دولت اسلامی در سیره ائمه
۱۰۹ مبارزات سیاسی ائمه-علیهم السلام
۱۱۲ چهار دوره جریان امامت:
۱۱۳ تشکیلات پنهان
۱۱۹ نتیجه
۱۲۰ فهرست منابع و مآخذ

چکیده

در تمام جوامع بشری، جهت اجرا و اقامه ی ایدئولوژی که مبتنی بر جهان بینی آن جوامع است، نیاز به حکومت احساس شده است. دین اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به ویژه که مبنای این دین بر گسترش جهانی آن در قالب اعتقادات و عملیات می باشد. بنیان گذار این دین، ذات ربوبی «الله» است و اوست که حکومت و حاکمیت از آن اوست. ذات مقدس اله مسئولیت اجرایی این دین را به رسولش و سپس به ائمه-علیهم السلام- واگذار کرده است. ائمه نیز با نصب خود و با اذن خداوند متعال به ولی فقیه، مشروعیت، قدرت تصرف و مسئولیت های حکومتی پس از خود را به ولی فقیه ارجاع داده اند. چون ولی فقیه ادامه ی ولایت رسول خدا و ائمه-علیهم السلام- است، محدوده ی جریان ولایت او به همان میزانی است که آن بزرگواران دارا بوده اند. به همین دلیل ولایت او بر همه ی مردمانی که مورثان آن ها ولایت داشته اند جاری می باشد. لذا نظریه انتخاب با این مبنا سازگار نیست.

عملکرد ائمه-علیهم السلام- نیز در تشکیلات مخفی و سری و هدایت این جریان مخفی برای دست یابی به حکومت و در پی آن، حکومت در تمام ممالک اسلامی-چنان که از استدلال یکی از ائمه برداشت شد- در جهت اظهار دین خدا در تمام جوامع بشری بوده است. لذا ولی فقیه نیز به تاسی از ائمه بزرگوار اسلام، می بایست همان طریق را دنبال و در جهت برپایی آن اقدام نماید.

واژگان کلیدی

ولایت فقیه، انتخاب، انتصاب، مشروعیت، حکومت اسلامی

۱. تبیین موضوع

در چند دهه ی اخیر، یکی از بحث انگیز ترین و در عین حال جنجالی ترین مسائل، مسئله ی ولایت فقیه بوده است؛ چه از نظر موافقین و چه از دیدگاه مخالفین. موافقین از این لحاظ که ولایت فقیه همان ولایت رسول خداست و با فقدان رسول خدا و نیز ائمه-علیهم السلام- وظایف آن ها تعطیل نمی شود، بلکه با تأسی از آن بزرگواران بایستی با جدیت هر چه تمام تر ادامه پیدا کند. اما اگر-بر اساس آیه ی قرآن پیامبر خدا کشته شد، مردم حق ندارند به عقب برگردند. در ادله موافقین نیز دو دسته اند که عده ای بر مبنای انتخاب و عده ای دیگر بر انتصاب نظر دارند که در این رساله، بنا بر نظر دوم نهاده شده و بحث ها بر این اساس پیش رفته است.

مخالفین نیز حملات بسیاری را بر این اصل روا داشتند به گونه ای که در زمان تصویب قانون اساسی و اصرار خبرگان ملت بر اصل ولایت فقیه، در صدد انحلال مجلس خبرگان برآمدند؛ زمانی که این کار با موفقیت انجام نشد، در شبهه پراکنی حول این اصل مقدس از هیچ اقدامی کوتاهی نکردند. از طرفی دشمن به خوبی می داند که این اصل و شخص ولی فقیه سبب اتصال مردم به اصل ولایت- ولایت خدا و ائمه- حبل الله و عدم تفرقه مردم از این حبل است. بنابراین این اصل همان اصلی است که کافران از آن به غیظ می آیند. از این رو شایسته است که حول این اصل مترقی و الهی، تحقیقاتی افزون صورت گیرد و قلم هایی بسیار در این رابطه زده شود.

این موضوع- یعنی اختیارات ولایت فقیه در امور فراملی- می تواند اهمیت زیادی داشته باشد، از این جهت که اگر ما ولایت فقیه را در طول امام معصوم بدانیم؛ در این صورت نسبت به اوامر ولی فقیه چه وظایفی خواهیم داشت؟ چون فرض ما بر این است که ولی فقیه می تواند در امور فراتر از قلمرو حکومتی خود ولایت داشته باشد و به کشور یا منطقه ای که حکومت در آن تشکیل شده است منحصر نمی شود. لذا در صورت اثبات این موضوع مورد پژوهش، هم از جانب ولی فقیه و هم از جانب مردم، وظایف و مسئولیت هایی تعریف خواهد شد که هر کدام متناسب با وظایف خود، مورد تبعیت از اوامر شارع قرار خواهند گرفت. مثلاً اگر ولی فقیه را بر اساس مبنای انتصاب، در خارج از مرزها، اختیاراتی قائل شویم، نمی تواند نسبت به امور مردم دیگر کشورها که در تحت ولایت او قرار می گیرند، بی تفاوت باشد و آنان را به امر خداوند که از وظایف ائمه بر اساس آیه قرآن می باشد هدایت و راهنمایی ننماید و تنها به محدوده ی حکومتی خود که به صورت بالفعل تشکیل شده است نظر افکند. از جانب مردم نیز در صورت اثبات چنین ادعایی وظیفه خواهند

داشت تا اوامر او را اطاعت و در صورت توان و امکان، زمینه‌ی فعلیت یافتن اوامر او را با از بین بردن حکومت طاغوت که در کشور آنها، حکومت را در سیطره‌ی خود دارند، فراهم کنند.

۲. پیشینه موضوع تحقیق:

در رابطه با این موضوع، تا آن جایی که گردآورنده تحقیق نموده است، به جز یک مقاله که به طور مستقل به این موضوع پرداخته باشد نیافته است. لازم به ذکر است که کتاب‌هایی از برخی بزرگان از جمله آیت الله عمید زنجانی در زمینه سرزمین اسلامی نگاشته شده است، ولی به این صورت که به طور مستقل در آثاری مربوط به ولایت فقیه راجع به این موضوع، اثری مستقل نگاشته شده باشد- در صورتی که چنین اثری مکتوب شده باشد و با توجه به تحقیقات نگارنده- یافت نشده است.

۳. سوالات تحقیق:

- ۱- آیا تشکیل حکومت لزوم دارد؟
- ۲- آیا ولی فقیه جانشین امام معصوم است؟
- ۳- آیا ولی فقیه تمام اختیارات حکومتی امام معصوم را دارد؟
- ۴- محدوده‌ی حکومتی او تا کجا خواهد بود؟
- ۵- آیا چنین اختیارات وسیع برای ولی فقیه، با مبنای انتخاب سازگار است؟
- ۶- آیا مبنای انتخاب با قرآن و روایات راجع به مشروعیت بخشی به ولی فقیه سازگار است؟
- ۷- آیا عملکرد ائمه در حوزه‌ی فراملی جریان داشته است؟

۴. فرضیات تحقیق

- ۱- حکومت از آن خداست.
- ۲- انتقال حکومت به غیر خداوند نیازمند دلیل است.
- ۳- خداوند این حق را به رسولش و در مرتبه‌ی بعد به ائمه-علیهم السلام- تفویض کرده است.

۴- ائمه-علیهم السلام- خلیفه خداوند در روی زمین هستند که نشانگر اختیارات فراملی ایشان است.

۵- ائمه- با اذن شارع- حق خدادادی خود را به فقهای جامع شرایط انتقال داده اند.

۶- انتقال اختیار در حوزه ی فراملی، از امام معصوم به ولی فقیه مورد بحث است.

۵. هدف پژوهش:

هدف پژوهش در این رساله اثبات این نکته است که آیا ولی فقیه در امور فراملی دارای ولایت می باشد یا نه؟ در صورت داشتن چنین اختیاراتی، محدوده ی حکومتی او تا چه حد خواهد بود؟ وظیفه ی مردم در اطاعت از ولی فقیه تا چه حد خواهد بود و چه وظایفی خواهد داشت؟

۶. روش تحقیق

در جمع آوری مطالب و منابع، از روش کتابخانه ای استفاده شده است. هم چنین در بخش مربوط به آیات و روایات از نرم افزار مشکات آیت الله جوادی آملی، مجموعه آثار حجت الاسلام و المسلمین قرائتی، و جامع الاحادیث جهت سهولت دسترسی به منابع بهره برده شده است.

۷. ساختار تحقیق

این رساله به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول به معانی، اقسام و مبانی مشروعیت ولایت فقیه اختصاص داده شده است. اثبات کردن چنین گستره ی اختیار نیاز به این امر مهم دارد که در ابتداء، ولایت خدا و در طول این ولایت، ولایت حضرت رسول-صلی الله علیه و آله- و ائمه-علیهم السلام- اثبات گردد؛ زیرا با اتفاق شیعه، آن ها خلیفه روی زمین هستند و دارای ولایت تکوینی و تشریحی می باشند. اگر ما ولایت فقیه را در دنباله ی ولایت اهل بیت بدانیم، همان ولایت با توجه به استدلال به آیات و روایات برای ولی فقیه ثابت می شود-همان خلیفه ای که در جریان این تحقیق، به آن استدلال شده است- و اگر آن را موکول به مردم کنیم که جای این بحث ها وجود ندارد، به این معنی که هر جا که مردم صلاح دیدند تا از او پیروی کنند، رهبر در همان نقطه مشروعیت و مقبولیت پیدا می کند و الا فلا. به همین جهت قبل از اثبات ولایت برای فقیه، به ولایت های خداوند و رسول خدا و ائمه-علیهم السلام- پرداختیم،

هر چند که به صورت مختصر بیان شده است، زیرا چنین ولایتی برای آنان اتفاقی است و اگر به دیگری انتقال یابد، در این صورت نیاز به تفصیل بیشتری احساس می شود.

حال اگر این نکته اثبات شود که ولی فقیه در طول ولایت ائمه-علیهم السلام قرار دارد، و با توجه خطاب های قرآنی که که ما آنان را امام قرار دادیم، نشان می دهد که مردم در مشروعیت بخشی نقشی ندارند و به همین دلیل است که در فصل مبانی مشروعیت، مسئله را به صورت مصداقی در جریان تحلیل قرار دادیم.

در بخش دوم نیز راجع به ضرورت حکومت اسلامی و مسائلی در رابطه با آن، دین و گستره ی آن، قلمرو جغرافیایی ولی فقیه، دارالحرب و دارالاسلام، مسئله شناسایی و عملکرد ائمه در رابطه با فراملی بودن اختیارات آنان بیان شده است.

بخش اول

معانی، اقسام و مبانی مشروعیت ولایت فقیه

این بخش از سه فصل تشکیل شده است. در فصل اول به معنای لغوی و اصطلاحی ولایت، اقسام ولایت - الله، رسول خدا، ائمه-علیهم السلام-، ولی فقیه و ولایت مؤمنان بر یکدیگر- پرداخته شده است. در فصل دوم، منابع و مآخذ جهت اثبات اختیارات ولی فقیه در حوزه فراملی مورد نظر بوده است؛ این منابع نیز از آیات و روایات و عقل تشکیل یافته است که با استناد به هر یک از منابع در صدد اثبات چنین اختیاری برای وی بوده ایم. عنوان "مبانی مشروعیت ولی فقیه" برای فصل سوم برگزیده شده است که در این فصل، تلاش بر این است تا ولی فقیه را در ادامه ی ولایت رسول خدا و ائمه-علیهم السلام- قرار داده و همان ولایت را برای ایشان ثابت نماییم. برای اثبات این نکته که ولی فقیه از جانب مردم منصوب نیست و نصب او نصب الهی بدون دخالت مردم است، چند نمونه از آیه ی قرآن و یک مورد از واقعه ای که در چند دهه ی اخیر رخ داده است برای شاهد مثال برای عدم صحت مبناى مذکور جهت مشروعیت بخشی به ولی فقیه، ذکر شده است.

فصل اول : معنا و اقسام ولایت

این فصل به پنج گفتار تقسیم می شود:

در گفتار اول، به معنای لغوی ولایت پرداخته شده است و در گفتار دوم به سلسله مراتب آن-یعنی ولایت الله و ولایت رسول خدا و ائمه-علیهم السلام- و نیز به ولایت فقیه و ولایت مؤمنان بر یکدیگر- بحث به عمل آمده است. در گفتار سوم به اقسام ولایت- یعنی ولایت تکوینی و تشریحی- نظر داشته ایم و در گفتار چهارم نیز به ولایت در فقه پرداخته شده و در آخرین گفتار از این فصل، به ولایت فردی و ولایت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

گفتار اول: بررسی مفهوم ولایت

معنای لغوی و اصطلاحی ولایت:

واژه ولایت در لغت به معنای پیوند و اتصال دو چیز است و در اصطلاح به معنای پیوندی است که هیچ مانع و فاصله ای بین ولی و مولی علیه وجود ندارد و این ناشی از شدت محبت و پیوند بین آنها می باشد.

علامه مصباح یزدی در تبیین این واژه بیان می دارند: «ولایت از ماده (و ل ی) بوده و آن در هنگامی است که دو چیز در کنار هم یا پشت سر هم به گونه ای قرار گیرند که مانعی بین آنها نباشد. برای مثال گفته می شود: "هذا العدد یلی عددا" یعنی عدد دنبال عدد دیگر است، مانند سه که دنبال دو است. هر گاه این دو واژه در مورد موجود ذی شعور مانند دو انسان به کار رود، بدان معناست که آیا یک رابطه قوی بین آن دو وجود دارد که تمام شئون وجودی ایشان را فرا گرفته است. رابطه ای که در این حالت بین دو انسان وجود دارد با رابطه ای که بین دو جسم وجود دارد متفاوت است. به دیگر سخن ماده ی (و ل ی) معنای عامی دارد که هر گاه در مورد انسان به عنوان ذی شعور به کار رود، باید شئون انسانی را در پیوند دو انسان مد نظر قرار داد. پیوند مورد نظر پیوندی است که دو انسان را چنان به هم نزدیک می کند که هیچ مانعی بین آن دو باقی نماند».

ایشان در ادامه شئون اصلی انسان را به سه بخش شناخت بینش و عواطف و کنش تقسیم کرده و در تطابق آن ها با واژه ولایت چنین می فرماید: «کنش، حاصل جمع و برآیند دو مورد قبل یعنی بینش و گرایش است. هر گاه ماده « و ل ی » در مورد دو انسان به کار رود بدان معنی است که دو انسان تا بدان حد به یکدیگر نزدیک شده اند که در امور سه گانه فوق یکی شده اند، یعنی شناخت ها و معرفت های ایشان شبیه به هم است. عواطف و احساسات آن ها به هم آمیخته و همدیگر را دوست دارند و در نهایت، رفتارشان هم مشابه هم است»^۱ (و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعضی)^۲.

«مالکیت در تدبیر و تکفل امور و عهده دار شدن احکام و مسائل مولی علیه، نتیجه حاصله از ولایت است، نه اصل حقیقت و معنای مطابقی آن و هر جا که احیاناً دیده می شود ولایت را به حکومت و امارت و سلطان و مراقب تفسیر می کنند، تفسیر به لوازیم معنی نموده اند نه بیان معنی حقیقی و واقعی آن»^۳.

۱- در پرتو ولایت، مصباح یزدی، ۹۲-۹۱

۲- توبه ۷۱

۳- ولایت در حکومت اسلام، حسینی تهرانی ج ۱ ص ۲۷

با این وجود، امارت و حکومت از دلالت التزام و نه مطابقی واژه ولایت است و کسی که وظیفه سرپرستی مولی علیه را بر عهده دارد، به طریق اولی باید با دلالت مطابقی ولایت هماهنگی داشته باشد؛ یعنی همان معنایی در ابتدای بحث برای این واژه ذکر شد. به بیان روشن تر، زمانی حکومت اسلامی شکل می گیرد که مردم از صمیم قلب خود را متعهد به اطاعت از ولایشان می دانند که پیوندی بلا فصل بین ولی و مردم وجود داشته باشد و هر چه اتصال به این حبل و اعتصام به آن محکم تر باشد، به طور قطع پیوندی عمیق تر، حکومتی مستحکم تر بین آن ها به وجود خواهد آمد همان طور که گفته شد، این پیوند ناشی از همان معنای لغوی لفظ ولایت می باشد.

گفتار دوم: سلسله مراتب ولایت

این گفتار به ولایت خدا، ولایت رسول او، ولایت وصی رسول، ولایت فقیه و در نهایت به ولایت مؤمنان بر یکدیگر تقسیم شده است. راجع به ولایت های خداوند، حضرت رسول و وصی او، به طور اختصار مطالبی را ذکر کرده و به این علت که ما ولایت فقیه را در طول ولایت امام معصوم می دانیم به طور مشروح تر در مبانی مشروعیت و نیز در بخش دوم بحث خواهیم کرد. لازم به ذکر است در فقه اسلامی راجع به ولایت پدر بر فرزند یا سفیه یا صغیر به طور تفصیل بحث شده است و ما نیز به این مناسبت، نکاتی را بیان خواهیم کرد.

۱-۲-۱-۱ ولایت الله

آیاتی از قرآن ولایت را تنها از آن خدا می داند و فقط با اذن او به دیگران انتقال می یابد، همان طور که عزت را منحصر به خدا می داند «ان العزة لله جميعاً»^۱ و لکن در جای دیگر عزت را به رسول و مؤمنان - علاوه بر خود - محصور می داند «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين»^۲. با این وجود ولایت های سرچشمه گرفته از ولایت خدا در طول آن ولایت قرار دارند و اعمال چنین ولایتی باید در چارچوب ولایت الله باشد. خداوند حکومت را صرفاً متعلق به خود می داند و حکومتی دارای حقانیت و مشروعیت است که به خداوند تعلق داشته باشند «ان الحكم الا لله»^۳ و حکم یا همان حکومت امامان یا پیامبران باید بر اساس

۱ - یونس ۶۵

۲ - منافقون ۸

۳ - یوسف ۴۰

اوامر خداوند باشد «...فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهدی فیضلک عن سبیل الله»^۱ و در غیر این صورت موجب سقوط ولی از ولایت و حبط عمل او «لو اشركت لیحبطن عملک»^۲ می شود. پس معتقد بودن به این که حکومت متعلق به مردم است و مردم به او مشروعیت می بخشند صحیح نمی باشد.

۲-۱-۱-۲ ولایت مطلقه رسول خدا

مهم ترین مستند قرآنی که ولایت رسول خدا را بر جان مردم اولویت می دهد آیه «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم»^۳ است به این معنی که اراده ی پیغمبر و اوامر بر جان خود فرد ترجیح و اولویت دارد و بر شخص واجب است که اوامر رسول را مقدم بدارد.

از جمله آیاتی که به این مورد دلالت دارد، آیه «و ما کان لمؤمن و لا مؤمنه اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیره من امرهم»^۴ است. این آیه بر این نکته تاکید می کند که مردم باید بدون چون و چرا حکم و قضاوت پیغمبر را بپذیرند و بلکه بالاتر از این که ذره ای ای حس ناراحتی و کراهت از قضاوت پیغمبر را در دل نداشته باشند و کلمه «اذا» نیز بر این قطعیت و نداشتن حق جهت اعتراض دلالت دارد؛ زیرا رسول خدا بر اساس مصلحت عمل می کند و قضاوت او حکیمانه است و در غیر این صورت باید گفت یا بر اساس هوا و هوس عمل می کند یا سخنی بدون علم که هر دو مورد از نظر قرآن مردود است «و ما ینطق عن الهوی»^۵ «ولا تقل لیس لک به علم...»^۶ و از جهت دیگر ولی و رسول مامور به مشورت اند و نه مامور به اطاعت که اگر مامور به اطاعت باشد یا از اوامر مردم اطاعت کند، خود مردم به سختی می افتند و دچار مشکلات خواهند شد «واعلموا ان فیکم رسول الله لو یطیعکم کثیرا من الامر لعنتم»^۷.

آیه اولوا الامر نیز بر اطلاق ولایت و مطلق بودن ولایت رسول خدا اشاره دارد که در مبحث آیات مربوطه جهت اثبات موضوع منتخب به آن اشاره خواهد شد و به صورت مفصل تری بحث خواهد شد، اما این نکته لازم به ذکر است ذکر کلمه «اطیعوا» و به صورتی جدا از لفظ مکرر دلالت بر اوامر مستقل رسول خدا و جدا از اوامری که به طور مستقیم از ناحیه خداوند صادر می شود، دارد و اطاعت دلیل بر داشتن ولایت

۱- ص ۲۶

۲- زمر ۶۵

۳- احزاب ۶

۴- احزاب ۳۶

۵- نجم ۳

۶- اسراء ۳۶

۷- حجرات ۷

است و در غیر این صورت ذکر این کلمه صحیح نخواهد بود، زیرا بدون اذن خداوند، کسی حق اطاعت از غیر او را ندارد مگر به اذن او.

۳-۲-۱-۱-ولایت مطلقه اهل بیت در قرآن و روایات

هر چند ولایت اهل بیت به صراحت - با ذکر نام- در قرآن ذکر نشده است اما با توجه به ذکر شأن نزول آیات و هم چنین با ملاحظه روایاتی که از پیامبر خدا رسیده است، جانشینان بلا فصل آن ها، امامان معصوم می باشند. آیه ابلاغ رسالت «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک...»^۱ و آیه یئس «الیوم یئس الذین کفرو من دینکم...»^۲ بر این حقیقت دلالت دارد و آیه اولوا الامر نیز به مطلق بودن ولایت امامان اشاره دارد که در ردیف رسول بودن و بدون ذکر اطیعوا نشانگر یکی بودن اطاعت رسول و اولوا الامر می باشد. هم چنین از ترکیب آیه ی «رضیت لکم الاسلام دینا»^۳ و آیه ی «لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی»^۴ به مطلقه بودن ولایت می توان پی برد. آیه ولایت نیز بر مطلق بودن ولایت ائمه-علیهم السلام- دلالت می کند و با تاکید بر کلمه «انما» و «و هم راکعون» بر انحصاریت ولایت بر آن ها صحه می گذارد.

البته ذکر نشدن نام ائمه به عنوان جانشینان مطلق و بلا فصل پیامبر دلیل بر نبودن نیست، همان طور که ذکر شدن اسامی بعضی از اشخاصی که در قرآن آمده است، دلیل بر صالح بودن آن نسیت. ذکر نشدن اسامی آن بزرگواران دلایلی دارد که از جمله می توان به موارد مذکور استناد جست:

۱- طبق آیه ۵ سوره صف، قوم بنی اسرائیل با آن که یقین داشتند که حضرت موسی پیامبر خداست، او را مورد آزار قرار دادند « و اذ قال موسی لقومه یا قوم لم تؤذوننی و قد تعلمون انی رسول الله الیکم...»^۵

۲- وقتی خداوند طالوت را با ذکر نام برای مردم برگزید، مردم گفتند که او از متاع دنیا بهره ای ندارد « هارون اخلفنی فی قومی..»^۶

۱ - مائده ۶۷

۲ - مائده ۳

۳ - همان

۴ - نور ۵۵

۵ - صف ۵

۶ - اعراف ۱۴۲

۳- یکی از بزرگترین منکرات، تعصب و لجبازی است. زمانی که عده ای از مردم آیه ای می دیدند، اعراض می کردند و می گفتند این سحری آشکار است «و ان یروا آیه یعرضوا و یقولوا سحر مستمر»^۱. با این وجود، ذکر شدن نام و اصرار بر کتمان حقیقت با هم سازگار نیست و در صورت ذکر نیز در صدد حذف بر می آمدند، همان طور که تورات را نیز تغییر دادند «یحرفون الکلم عن مواضعه»^۲.

۴- ذکر شدن نام حضرت موسی در میان بنی اسرائیل، عده ای را به خاطر به دنیا آمدن کلیم الله سر بریدند. روش قرآن نیز در بعضی از موارد بر ذکر عنوان است نه اسم، مانند «الرسول النبی الامی الذی یجدونه فی التوراه و الانجیل»^۳.

۴-۲-۱-۱- ولایت مطلقه فقیه:

ولایت فقیه، ولایت رسول الله-صلی الله علیه و آله- است؛ ولایت امیرالمؤمنین و اولاد معصومین ایشان است. ولایتی است که مردم با تمسک به آن، راه هدایت و سعادت را می یابند(مقبوله و توقیع شریف)، همان ولایتی که وارث ابراهیم خلیل الرحمن است؛ همان ابراهیمی که در برابر غیر موحدان، موضع خود را در مقابل آن ها قاطعانه مشخص کرد که راه من از راه شما جداست، مگر این که به خدای احدیت ایمان بیاورید «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ ...»^۴؛ همان ابراهیمی که در برابر مشرکان به وسیله استقامت در راه خدا، در فرزند و نوه او برکت قرار داده شد «و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ»^۵؛ همان کسی که خداوند به پیغمبر خود دستور می دهد که از آیین ابراهیم تبعیت کند «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ شَاكِرًا لِنِعْمِهِ اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۶.

ولایت فقیه همان لایت رسول خدا-صلی الله علیه و آله- است؛ همان رسولی که به خاطر رضایت پیامبر خویش، آن قدر از امت او را مورد شفاعت قرار می دهد تا رضایت پیامبر خویش را به دست آورد»^۷

۱- قمر ۲

۲- نساء ۶۶

۳- اعراف ۱۵۷

۴- ممتحنه ۴

۵- الانبیاء ۷۲

۶- نحل ۱۲۳-۱۲۰

لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^۱، همان رسولی که پروردگار عالمیان جهت رضایت پیغمبر خویش، جهت قبله را تغییر می دهد تا حبیب خویش راضی شود «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»^۲؛

«رسول عزیزی که خداوند حدود ۲۵۰ مرتبه در قرآن او را با کلمه ربک به خود نسبت داده، در حالی که هر یک از آسمانها و زمین و انبیا و مردم و مشارق و مغارب را چند باری به خود نسبت داده است. رسولی که حتی نام اعضا و متعلقاتش در قرآن مطرح شده است: قریتک، ثیابک، نساءک، بناتک، وجهک، صدرک، ظهرک، لسانک، عنقک، یدک [و] عینیک را همه می دانیم»^۳.

ولایت فقیه محصولی از اختراعات و فرآورده های فقهی عظام نیست، بلکه در متن روایات اهل بیت-علیهم السلام- ذکر شده است. ولایتی که ائمه-علیهم السلام- ما را به اعتصام و تمسک به این حبل که حبل الله است ملزم کرده اند «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۴ «...إِنَّهُمْ حَجْتِي عَلَيْكُمْ وَاَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۵ «...فَإِذَا حُكِمَ بِحُكْمِنَا وَفَلِمَ يَقْبَلُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ»^۶ همان ولایتی که مردم را به امر خداوند هدایت می کنند «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^۷ و لذا در صورت تمایل به کسب رضایت ائمه-علیهم السلام- ملزم هستیم تا از او متابعت نموده؛ چرا که بر اساس مقبوله عمر بن حنظله، رضایت امام-علیه السلام- در تبعیت نمودن از او می باشد.

فقیه جامع الشرائط در امور حکومتی دارای ولایتی است که امام معصوم، همان را داراست. حال چه قلمرو حکومتی او در حیطه مناطق تشکیل شده باشد یا مناطق فرامرزی که در صورت فراهم شدن زمینه های لازم برای تشکیل حکومت و حمایت مردم، آن مناطق در تحت ولایت او قرار خواهد گرفت.

۱ - ضحی ۵

۲ - بقره ۱۴۴

۳ - نامه ها، قرائتی ص ۱۲۳

۴ - آل عمران ۱۰۳

۵ - کمال الدین، شیخ صدوق ج ۲ باب ۴۵ ح ۴ ص ۴۸۳ به نقل از حکومت اسلامی، احمد واعظی ص ۱۴۹

۶ - وسائل الشیعه، ج ۲۷ ص ۱۳۷-۱۳۶ باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی، به نقل از همان ص ۱۵۴

۷ - الانبیاء ۷۳

البته ولایت فقیه جامع شرایط به صراحت در قرآن ذکر نشده است ولی با استفاده از آیات کلی می توان در زمینه اثبات ولایت برای وی، این مهم را به اثبات رساند و از جهت روایات نیز احادیثی در این زمینه وجود دارد که در فصل مربوط بیان خواهد شد. بنا بر این در داشتن ولایت برای وی اجماع وجود دارد و اختلاف در گستره ی اختیار برای فقیه جامع شرایط می باشد.

۵-۲-۱-۱- ولایت مؤمنان بر یکدیگر

بر اساس آیه «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...»^۱ مؤمنان در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر از طرف خداوند حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند. امر به معروف و نهی از منکر که بر همه مردان و زنان با ایمان واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یکدیگرند. اختلاف تعبیر در «بعضهم من بعض»^۲ که راجع به منافقین است با تعبیر بالا، شاید به خاطر آن است که بر خلاف مؤمنان وحدت عمیق و پیوند ولایت در میان منافقین نیست و هنگام بروز منافع شخصی وفادار نیستند و وحدتشان صوری است و به قول قرآن «تحتسبهم جمیعا و قلوبهم شتی»^۳.

گفتار سوم: اقسام ولایت

ولایت به دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم می شود و ولایت تشریحی نیز به دو ولایت در قانون گذاری و ولایت به معنای حاکمیت اجتماعی تقسیم شده است. ابتدا خلاصه و اجمالی از ولایت تکوینی را یادآور می شویم و سپس ولایت تشریحی و انواع آن را دنبال می کنیم.

۱-۳-۱- ولایت تکوینی

ولایت تکوینی به ولایتی گفته می شود که ذرات هستی در تحت حاکمیت خدا و منصوبان او-که پیامبر و ائمه هستند- قرار دارد و در مقابل آن ها خاضع می باشند. آیاتی از جمله «انما امره اذا اراد شیئاً ان

۱- توبه ۷۱

۲- بقره ۶۷

۳-تفسیر نور، قرائتی ج ۳ ص ۴۶۳

يقول له كن فيكون^۱ و شوری ۹، یوسف ۶۷، مائده ۷۶، اعراف ۵۶، اشاره به ولایت تکوینی دارند. البته جانشینان ائمه - یعنی فقیه جامع شرایط - صاحب ولایت تکوینی نیستند، هر چند ممکن است به وسیله تقوای بالا، تصرفاتی را در هستی انجام بدهند.

۲-۳-۱-۱- ولایت تشریحی

ولایت تشریحی به ولایتی گفته می شود که صاحب ولایت دارای اختیار و حق قانون گذاری در جهت مصلحت دین خدا را دارد. همان طور که گفته شد ولایت تشریحی به دو قسم ولایت در قانونگذاری و ولایت به معنای حاکمیت اجتماعی منقسم می شود که به شرح آن ها می پردازیم.

۱-۲-۳-۱-۱- ولایت در قانونگذاری:

۱-۱-۲-۳-۱-۱- ولایت تشریحی تقنینی خداوند:

بدون شک ولایت در قانونگذاری و هم چنین قانونگذار واقعی، کسی جز آفریننده انسان نمی باشد؛ همان کسی که به مفاسد و مصالح مخلوق آگاه و بر اساس مصلحت فرد تحت ولایت او، اقدام به قانونگذاری می کند. به فرموده قرآن، حکم و حکومت از منحصر به خداست «ان الحكم الا لله»^۲ و حکم و قضاوت نیز باید بر اساس تقنین خداوند باشد؛ و همان طور که گفته شد، در صورت حکم به ما غیر انزل الله مشمول صفات ظالم، کافر و فاسق خواهد شد. در کلامی دیگر، خداوند حضرت داود را مامور می کند که بر اساس «حق» حکم کند و از هوا و هوس دیگران تبعیت نکند «فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع اهواءهم»^۳. از عبارت بالحق برداشت می شود که قانونگذار خداوند است.

حال این اوامر نیز متناسب با خیر و صلاح افراد است و کسی که به اذن او از چنین ولایتی برخوردار می شود، باید از چنین خصوصیتی تبعیت و بلکه فانی در آن باشد «فاتقوا الله ما استطعتم و اسمعوا و اطيعوا و انفقوا خيرا لانفسكم»^۴. با توجه به این خصوصیت پیامبر است که خداوند در مورد پیامبرش

۱ - یس ۸۲

۲ - اعراف ۵۷

۳ - ص ۲۶

۴ - تغابن ۱۶